

شنبه بیست و هفتم آذرماه ۱۴۰۰

آیات الاحکام ۲

نشست پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللهم عجل لوليک الفرج واحفظه من کل سوء

اللهم اجعلنا من خير اعوانه وانصاره

اللهم اخرجنا من ظلمات الوهم و اكرمنا بنور الفهم

اللهم افتح لنا ابواب رحمتک وانشر علينا خزائن علومک

تمام مباحثی را که تا کنون بیان شده تحت دو عنوان کلی فلسفه آیات الاحکام با حدود پانزده مساله که اشاره شد و فلسفه تفسیر که هم در گفتگو از آیات الاحکام به کار بیاید و هم در غیر آن

از امروز وارد خودگفتگو از آیات الاحکام می شویم.

شاید آیه ای به اندازه آیه محاربه و مفسد فی الارض نداشته باشیم که باز جای بحث داشته باشد....

ادبیات تولید شده دارد، در جمهوری اسلامی هم که بعید است کسی در محیط ایران زندگی کند و کلمات مثل مفسد فی الارض و محارب را نشنود...

بحث را با این آیه مبارکه از سوره مائده (آیه ۳۳) (و آیه ۳۴) شروع می کنیم:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت. مگر آنان که توبه کنند پیش از آنکه بر آنها دست یابید، پس بدانید که خداوند بخشنده و مهربان است.

و همچنین آیه :

....وَإِصْرًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَخْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

آیه ۲۰۴ تا ۲۰۶ سوره مبارکه هم می فرماید:

وَمَنْ النَّاسُ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ .

آیه ۵ سوره مبارکه سبأ

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ

و باز آیه ۳۸ سوره مبارکه سبأ

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

سوره مبارکه اعراف آیات ۵۶ و ۸۵، سوره مبارکه رعد ۲۵، سوره مبارکه نحل آیه ۸۸ و سوره مبارکه مائده ۳۲ ولی آیه محوری ما در چند جلسه ۳۳ و ۳۴ مانده است.

سوالاتی در اطراف این نهاد مطرح است: از قبیل مفهوم شناسی محارب، و یا این که فقها چه تعریفی از محارب دارند، و یا مهم تر این که رابطه محارب با مفسد فی الارض چه رابطه ای است؟

و یا اخافه الناس که در تعابیر فقها هست، به چه معنا است؟ افساد فی الارض یعنی چه؟

بحث بعدی، حکم شناسی محاربه است.

بحث این است که حکم محارب و یا مفسد فی الارض چیست؟

سوال این است که این ها یک گروه اند یا دو گروه؟

عده ای ممکن است محارب باشند اما مفسد فی الارض نباشند.

و یا مفسد باشند و محارب نباشند.

در حالی که ممکن است بگوییم که این دو از هم جدا نیست.

لذا بعد مفهوم شناسی، موضوع حکم این ها مطرح می شود.

و موضوع دیگر این که مسائلی مثل: یقتلوا یا یصلبوا یا تقطع یا ینفوا در آیه کریمه:

الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ

آیا این ها تخیر هست یا ترتیب است؟

سوال این است که حاکم آیا اختیار دارد که از این چهارگزینه هر کدام را که خواست انتخاب کند یا این که ترتیب دارد؟

و سوال دیگر این که آیا برخی مسائلی که در جامعه پیش می آید و باعث اخافه الناس می شود، جز افساد فی الارض اطلاق می شود یا نه؟ دایره شمولیت این جریان تا کجاست و چه مصادیقی را شامل می شود؟

و یا این که کسانی که در برابر نظام می ایستند و جزء مخالفین قرار میگیرند، آیا این ها در دایره محارب و یا مفسد فی الارض قرار می گیرند یا نه؟

گاه برخی را که جرمشان توزیع مواد مخدر و یا دایر کردن مراکز فحشا و یا قاچاق انسان هست، در این دایره وارد می کنند باید دید آیا چنین رویکردی صحیح است یا نه؟

اصولا در این حالت باید دید قانون ما با این قضیه چه کار کرده است....

می رویم سراغ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

از ماده ۱۸۳ تا ۱۹۶

ماده ۱۸۳ باب هفتم: محاربه و افساد فی الارض را باید دید که یک موضوع در نظر می گیرد و یا دو موضوع؟

اگر این ها را دو موضوع مجزا در نظر می گیرد سوال این است که چه نسبتی را بین این ها برقرار می کند؟

این ماده قانون می گوید: هر کس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد.

باید هماره فائده، نتیجه و غرض را به عنوان سه عنصر محقق در هر فعلی را جداگانه مد نظر قرار داد و آن ها متمایز از هم دانست.

این ها نسبتشان مفهوما تباین است و مصداقا هم عام و خاص من وجه است. ما باید این ها را یادمان باشد که در مفاهیم یا تباین داریم یا ترادف

چقدر مقاله و پایان نامه نوشته می شود و در آن ها گفته می شود که این دو نسبتشان عام و خاص مطلق است.

و متاسفانه اساتید هم چیزی نمی گویند و اشتباه و غلط هم نمی گیرند...

باید گفت: اصولا مفاهیم که عام و خاص مطلق ندارند...

مفاهیم یا مترادف اند یا متباین اند ...

بحث این است که ماده قانون ۱۸۳ محارب و مفسد فی الارض را کنار هم آورد. و اظهار نداشت که این ها را یکی میدانند یا دو تا می دانند....

تبصره: کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچکس نشود، محارب نیست.

می خواهد بگوید آن ایجاد رعب هم باید برای غرضی باشد هم باید مترتب فائده ای باشد .

تبصره دوم: اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی شود.

و یا در ادامه می گوید: میان سلاح سرد و گرم فرقی نیست و هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربین و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه ببرند، محارب نیستند.

و بعد سراغ حکومت اسلامی می آید و می گوید: هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مدام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضا و هواداران که موضع آن گروه را می دانند، و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند، محارب محسوب می شوند؛ اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.

اگر دقت کنید به تدریج کلمه مفسد فی الارض نادیده گرفته شد.

ماده ۱۸۸ میگوید:

هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست های حساس حکومتی نماید و نامزدی او در تحقق کودتا موثر باشد، محارب و مفسد فی الارض حساب می شود.

می بینیم که باز دو عنوان را با و او ربط آورد.

این و او هم می تواند هم عطف تفسیری باشد هم عطف مغایر باشد.

سوال این است که جناب قانون گذار اگر کسی در آمریکا و یا چین و یا اروپا دست به اسلحه ببرد، شما باز هم او را محارب میدانید؟

البته در قرآن محاربه با خدا و رسول مطرح شده نه محاربه با نظام یا حکومت ها.... یا الناس...

بحث بعدی: راه های ثبوت محاربه و افساد فی الارض است.

د رادامه قانون محازات اسلامی مصوب ۷۰ از ماده ۱۹۰ تا ۱۹۶ می پردازد به حد محاربه و افساد فی الارض ...

و می گوید حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است :

قتل ، آویختن به دار و قطع دست راست پای چپ و برعکس و نفی بلد و انتخاب هریک از این امور چهار گانه به اختیار قاضی است.

خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده باشد یا مال او را گرفته باشد خواه هیچ یک از این کار ها را انجام نداده باشد.

گویا می خواهد بگوید که تخییر است نه تعیین

معلوم است که قانون گذار این را به اختیار والی نگذاشته است، بلکه به اختیار قاضی قرار داده است.

اگر به اختیار حاکمیت بود لازمه اش این بود که در امر قضاوت از حاکمیت هم کسی حضور داشته باشد. گاه سوال این است که قضاوت در عرض حاکمیت است یا این که نهادی زیر مجموعه حاکمیت است؟ به این دلیل است که گفته می شود قوه قضائیه و قوه مجریه ..

در جمهوری اسلامی با این که این ها در کنار هم اند اما انتخاب رئیس قوه را به اختیار و انتخاب رهبر قرار داده است.

و در ادامه ماده قانون میگوید: حد محارب قابل اسقاط نیست.

تا این جای کار می توان ادعا کرد که قانون گذار سوال ما را به نوعی جواب داد و همچنین حد را هم بیان کرد. و تعیین و تخییر را هم مطرح کرد ...

وارد مصادیق جدید هم نشد و یک ابهام بزرگی پاشید که هیچ مشخص نکرد که مفسد فی الارض و محارب آیا دو گروه اند یا دو گروه؟

قانون گذار سال ۱۳۷۰ در برخی موارد دیگر هم وارد شده است؛

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

مصوب ۱۳۶۴ و تایید ۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام را دارد و می گوید:

کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال به نفع دولت به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال، انفصال دائم از خدمات دولتی، حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند.

و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات آن ها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

من معتقدم که در قوانین مصوب هفتاد این ماده هست که حساب مفسد فی الارض را از محارب جدا میکند.

اصلا این ماده از محارب صحبتی هم نمی کند.....

گاه ممکن است اصطلاحاً، یقه سفیدان این کارها را بکنند ولی به هر حال از آن ها با عنوان مفسد فی الارض یاد می کند.

می رویم سراغ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که الان در حال اجراست.

از ماده ۲۷۹ تا ۲۸۸ یعنی ده ماده..... باید ببینیم در خصوص موضوع ما چه مطرح کرده است.

این جا باز صحبت از افساد فی الارض نیست و صرفاً از محاربه صحبت می کند.

من علاقه مندم که شماها قانون را مجتهدانه بررسی کنید

میدانید که ما اجتهاد مصطلح را در قاضی شرط نمی دانیم ...

و ممکن است عده ای رویکردی متفاوت داشته باشند.

ولی یک چیز که معتقدیم، آن، این است که قاضی باید مجتهد در قانون باشد.

و چه پرونده هایی که اگر قاضی مجتهد نباشد، نمی تواند در قانون به نتیجه برسد ...

قانون گذار ما در خصوص محاربه می گوید: عبارت است از کشیدن سلاح یا قصد جان یا مال یا ناموس مردم یا ارباب آن هاست به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر وقت کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند نفر سلاح بکشد عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد اما در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود. فرد یا گروهی که برای دفاع یا مقابله با محارب دست به اسلحه برد، محارب نیست.

ماده ۲۸۹ حد محارب را معنا می کند. و بعد بحث تبعید و در فصل نهم بغی و افساد فی الارض را مطرح می کند.

عنوان ها از هم جدا شد و یک عنوان جدیدی تحت عنوان بغی تولید شد بغی و افساد فی الارض ...

و میگوید: هر کسی به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانیت افراد جرائم علیه امنیت ملی یا خارجی کشور و یا نشر اکاذیب و یا اخلال در نظام اقتصادی کشور دایر کردن مراکز فساد و فحشا به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور ناامنی یا ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

این جا مفهوم مفسد را از محارب جدا کرد و عناوین چهارگانه هم کنار می رود و فقط از اعدام حرف می زند.

و بعد تبصره دارد: هر گاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد و قصد اخلال گسترده در نظم عمومی ایجاد ناامنی ... علم به موثر بودن را احراز نکند، و جرم ارتكابی مشمول قانون دیگری نباشد، با توجه به نتیجه زیانبار جرم مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود ...

یعنی از حد بیرون می رود و مشمول تعزیر می شود.

ماده ۲۸۷ می گوید: گروهی که در برابر اساس نظام ج. اسلامی ایران قیام مسلحانه کنند، باغی محسوب می شود در صورت استفاد ه از سلاح اعضای آن به مجازات اعدام محکوم میگردند

و اگر اعضای گروه باغی قبل از اقدام دستگیر شوند چنان چه سازمان و مرکزیت داشته باشند به حبس تعزیری فلان و اگر مرکزیت نداشته باشند به حبس تعزیری فلان محکوم می شوند.

این دو قانون را با هم مقایسه کنید و قانون گذار فقط در این دو قانون جعل قانون نکرده است.

این ماده ۲۸۶ مجازات اسلامی ۹۲ را بخوانید و ببیند ابهام این قانون چیست؟ ...